

اهمیت آسیای مرکزی به آمریکا

(ترجمه)

نگاه آمریکا به آسیای مرکزی تفاوت چندانی با نگاهش به دیگر سرزمین‌های اسلامی ندارد. این نگاه بر اساس چگونگی خدمتی است که آسیای مرکزی می‌تواند به منافع ژئوپلیتیکی آمریکا ارائه دهد. اهمیت آسیای مرکزی برای آمریکا از همین دیدگاه ناشی می‌شود. به طور کلی، این منطقه به دلیل دارا بودن منابع معدنی متنوع و نادر، پتانسیل‌های غنی انرژی و امکان محدودکردن اقدامات روسیه و چین که به دنبال حفاظت از منافع ژئوپلیتیکی خود هستند، از اهمیت استراتژیک فراوانی برخوردار است.

با در نظر گرفتن این موارد، به ویژه در پس‌زمینه جنگ روسیه و اوکراین، شماری از مؤسسات پژوهشی و فکری پیشنهاد می‌کنند که دولت آمریکا توجه بیشتری به آسیای مرکزی داشته باشد. این پیشنهادها بر اساس عوامل مختلفی مطرح می‌شود؛ به عنوان نمونه، مرکز پژوهشی امریکایی "فن حکومت مسئول (Responsible Statecraft)" از رئیس‌جمهور منتخب، دونالد ترامپ، خواسته است که در آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری خود بر آسیای مرکزی تمرکز کند. این گزارش تأکید می‌کند؛ در حالی که جنگ اوکراین، مسأله تابوان و منازعات تجاری در دستور کار جهانی قرار دارند، آسیای مرکزی می‌تواند نقش مهمی در حفاظت از منافع آمریکا ایفا کند.

به گفته تحلیل‌گران، آمریکا تاکنون روابط محکمی با این منطقه که روسیه و چین در آن فعال هستند، برقرار نکرده است. آسیای مرکزی دارای منابع عظیم و مسیرهای حمل‌ونقل با اهمیت استراتژیک است. سفر نمادین ترامپ می‌تواند گامی برای تقویت جایگاه واشنگتن در این منطقه باشد و بر زنجیره‌های تأمین جهانی و تبادلات انرژی تأثیر بگذارد. تحلیل‌گران به رئیس‌جمهور منتخب پیشنهاد داده‌اند: «ترامپ باید ابتدا به آسیای مرکزی سفر کند!» آن‌ها بر این باورند که صرف نظر از مهارت دیپلمات‌ها، هیچ چیزی به اندازه دیدار مستقیم رهبران در موفقیت مذاکرات مؤثر نیست. مشارکت آمریکا در ساخت خط آهنی که از افغانستان عبور می‌کند، می‌تواند به ثبات افغانستان، توسعه اقتصادی کشورهای همسایه، ایجاد فرصت‌های جدید برای تجارت امریکایی و افزایش نفوذ واشنگتن در منطقه کمک کند. این پروژه، آسیای مرکزی را به بنادر کراچی، گوادر و قاسم در پاکستان متصل خواهد کرد، هزاران شغل ایجاد می‌کند و پایگاه اجتماعی گروه‌های افراطی را کاهش می‌دهد.

برآوردهای ازبیکستان نشان می‌دهد که خط آهن 760 کیلومتری از طریق افغانستان، زمان تحویل کالا به پاکستان را حدود پنج روز کاهش داده و هزینه‌های حمل‌ونقل را حداقل 40 درصد کاهش می‌دهد. انتظار می‌رود این پروژه که هزینه‌ای تا 6 میلیارد دلار دارد تا پایان سال 2027 تکمیل شود. هم‌چنین پیش‌بینی می‌شود تا سال 2030، قطارها بتوانند سالانه تا 15 میلیون تن کالا را از طریق این خط آهن حمل کنند. این خط آهن جدید کشورهای عضو اتحادیه اروپا، روسیه، ازبیکستان و افغانستان را به بنادر پاکستان در دریای عرب متصل می‌کند تا کالاها به خاورمیانه و جنوب شرق آسیا صادر شوند. افزون بر این، آسیای مرکزی دارای منابع غنی از فلزات مهمی هم‌چون منگنیز، کروم، سرب، روی و تیتانیوم است که برای فناوری‌های سبز ضروری هستند. شاید محدودیت‌های اخیر در صادرات این فلزات از سوی چین، آمریکا را وادار کند که از طریق پلترم گروه "پنج به علاوه یک (C5+1)" گفت‌وگوهای خود را با این منطقه برای دسترسی بلندمدت به این منابع افزایش دهد.

هم‌چنین درخواست‌هایی برای لغو اصلاحیه جکسون-فانیک، که در سال ۱۹۷۴ تصویب شد و در چهار کشور آسیای مرکزی (ازبیکستان، قزاقستان، ترکمنستان و تاجیکستان) برقرار است، وجود دارد. این اصلاحیه در قانون تجارت آمریکا، تعرفه‌ها و مالیات‌های ویژه‌ای را بر کالاهای وارداتی از اقتصادهای غیر بازاری اعمال می‌کند و اعطای وام‌های دولتی و ضمانت‌های اعتباری را ممنوع می‌سازد. تحلیل‌گران معتقدند که چنین موانعی توانایی آمریکا را در بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های عظیم آسیای مرکزی و اعمال نفوذ قوی در این منطقه محدود می‌کند.

در بررسی اهمیت آسیای مرکزی برای آمریکا، باید به نقش آن در محدود کردن فعالیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه اشاره کرد؛ کشوری که هم‌چنان از کشورهای این منطقه برای دور زدن تحریم‌های غربی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، این مسأله در چگونگی کمک کشورهای آسیای مرکزی به کرملین برای دور زدن تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه قابل مشاهده است. در شرایطی که بسیاری از مسیرهای تجاری به روی روسیه بسته شده‌اند، این کشور از طریق آسیای مرکزی به نوعی "تنفس" دست می‌یابد. علاوه بر این، چین میلیاردها دلار برای پروژه عظیم "یک کمربند، یک راه" که از این منطقه عبور می‌کند، هزینه می‌کند. واضح است که اگر آمریکا بتواند نفوذ خود را در آسیای مرکزی افزایش دهد، مشکلات زیادی برای روسیه و چین ایجاد خواهد شد.

عامل دیگری که شایسته ذکر است این است که آسیای مرکزی بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین‌های اسلامی است. تاریخ نشان می‌دهد که علمای بزرگ و فرماندهان نظامی مشهور جهانی در این سرزمین‌ها ظهور کرده‌اند و در دل کفار وحشت افکنده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ م، پس از سقوط نظام کمونیستی، مسلمانان این منطقه خواستار حکومت اسلامی شدند و به شدت این درخواست را از دولت‌های وقت مطالبه کردند. بدون شک، شرایط کنونی در خاورمیانه، از جمله رویدادهای سوریه، بر مسلمانان آسیای مرکزی تأثیر خواهد گذاشت. در نتیجه سیاست‌های ظالمانه و سرکوب‌گرانه حکومت‌های استبدادی منطقه، مردم به تدریج به صورت پنهان و آشکار علیه آن‌ها اعتراض می‌کنند. بدیهی است پیش‌بینی زمان وقوع "انفجار بشکه باروت" این منطقه دشوار است؛ انفجاری که می‌تواند پیامدهای غیرمنتظره‌ای هم برای حکومت‌های موجود و هم برای آمریکا و روسیه به همراه داشته باشد. این انفجار ممکن است به آسیای مرکزی محدود نماند و احتمال گسترش یک قیام گسترده که شعارهای اسلامی همراه با تکبیر و تهلیل سر می‌دهد، به افغانستان همسایه و حتی پاکستان نیز وجود دارد. طبیعتاً، کشوری آینده‌نگر مانند آمریکا نمی‌تواند چنین پیش‌بینی‌های "انفجاری" در آسیای مرکزی را نادیده بگیرد.

می‌توان اهمیت آسیای مرکزی برای آمریکا را این‌گونه خلاصه کرد: اگرچه آسیای مرکزی برای آمریکا مسأله مرگ و زندگی نیست، اما این کشور منطقه را به عنوان بخشی استراتژیک برای تأمین منافع ژئوپلیتیکی خود و حفظ هژمونی جهانی‌اش می‌نگرد. آسیای مرکزی بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین‌های اسلامی است و مسلمانان این منطقه مردمی شجاع هستند که اسلام را دوست دارند و می‌خواهند با آن زندگی کنند و آماده‌اند جان خود را در این راه فدا کنند. این سرزمین‌ها که به زودی جزئی از خلافت راشده بر منهج نبوت خواهند شد، دژی استوار برای اسلام خواهند بود و به اذن الله سبحانه و تعالی، نقش مهمی در محاصره روسیه و چین ایفا خواهند کرد.

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَخُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: ۴-۵]

ترجمه: در آن روز مؤمنان شادمان می‌شوند. (آری! خوشحال می‌شوند) از یاری الله. الله هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد، و او بس چیره (بر دشمنان خود) و بسیار مهربان (در حق دوستان خویش) است.

برگرفته از شماره 528 جریده الرایه

نویسنده: استاد أبوخلیل - ازبیکستان

مترجم: محمد مزمل